



بارخوانی، شرح و توضیح

کتاب حیدربک

دکتر عباس قنبری عددی



انتشارات بوته

۱۳۹۷

عنوان و نام پدیدآور	بازخوانی، شرح و توضیح کتاب حیدریک/عباس قنبری عُدیوی
مشخصات نشر	شهرکرد: نبوشه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۹۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۳-۲۹-۴ ریا ۱۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۱ ق.
موضوع	th century ۱۷ Persian poetry --
شناسه افزوده	قنبری عُدیوی، عباس، ۱۳۴۶ -، گردآورنده
ه‌بند - کنگره	۱۳۹۶۵/۶۲۴۲ PIR
رده - سی دیوی	۴/۱۵۸
شماره کتابشناسی	۵۰۴۳۴۶۹



انتشارات نبوشه

شهرکرد: میرآباد غربی، بازار فرهنگ، پایان حکیم نظامی، کوچه دوم، نبش فرعی سوم، شماره ۸.
تلفکس: ۰۱۳۳۲۱۶۰۰ همراه مدیرمسئول: ۰۹۱۳۱۸۱۷۲۰۸

وبگاه www.nabusha.ir

پست الکترونیکی odiv@yaho.com

تلگرام [nabushapublication](https://t.me/nabushapublication)

پست الکترونیک nabusha.publication

☐ نام کتاب: بازخوانی، شرح و توضیح کتاب حیدریک

☐ پدیدآورنده: دکتر عباس قنبری عُدیوی

☐ خدمات فنی و تایپ: گروه انتشارات نبوشه

☐ صفحه‌آرا و ویراستار: مریم قنبری عُدیوی

☐ لیتوگرافی: سروش ☐ چاپ: نقشینه ☐ صحافی: تک

☐ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ☐ چاپ اول: ۱۳۹۷

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۳-۲۹-۴ قیمت: ۱۵ هزار تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

Printed in The Republic of IRAN

فهرست کتاب

سخن آغازین (أ)

درآمدی بر قصه حیدریک و سمنبر (۱)

چکیده قصه به نثر (۴)

ویژگی‌های کتاب (۱۱)

روش‌های سبک‌شناسی اثر (۱۴)

چاپ‌های کتاب (۲۲)

تصویر (تلفظی) (۲۵)

نسخه‌های خطی (۲۷)

فرهنگ مردم و قصه سیرگ (۳۱)

سخن پایانی (۴۷)

متن قصه (۵۱)

کارمایه (۹۵)

راویان قصه (۹۶)

پیوست

سین آغازین:

سروده‌های عاشقانه و در شکل کلی آن «ادب غنایی» فرآورده حسن زیباشناسانه، هنری و انگیزه‌های دوست داشتنی انسان است. شعر (نظم همراه با تخیل) محصول دگر اندیشی انسان و تصرف در تخیل تکراری است. این اندیشه و آرمان در مفهوم وسیع آن، برای پدید آمدن آثار ارزنده آفاقی و مکتوب انسان، ارجمند و در خور احترام است. انسان با بهره‌مندی از احساس، عاطفه و خیال پردازی خویش، جور دیگری به جهان نگاه کرده است. این نوع نگاه محصول دگرگونی، خیال انگیز و توسعه درونی اوست. برای همین حسن هنر دوستی و زیباشناسانه شاعرانه است که نظم، آهنگ، ردیف و قافیه، وزن و دیگر ارکان و عناصر ادبی را به خدمت می‌گیرد تا آفرینش تازه و آرمانی شایسته تولید کند.

مجموعه آرمان‌ها، آرزوها، کشش‌ها و دل‌بستگی‌های او در قالب آثار حماسه، غنا، تعلیم، نمایش و... عرضه می‌شود. آدمی با بهره‌وری از داستان، قصه، افسانه، حکایت، لطیفه، اسطوره و دیگر گونه‌های ادبی، ریختی برای بیان و انتقال این داده‌ها پرورده است. به کارگیری متن‌های گفتاری و ضرورت انتقال این آفریده‌ها به نسل‌های بعدی، سبب به وجود آمدن دانش نوشتاری و نگارش شد. انسان آموخت که برای پاس‌داشت آفرینش‌های زبانی و اندیشه‌ورزانه خویش، نیازمند نوشتن، کتاب و دفتر است. برای این منظور به سوادآموزی و هنر نویسندگی روی آورد.

راه‌اندازی مدرسه، مکتب، دانشگاه، کالج، آکادمی و هر نامی را که برگزینیم، محصول نیاز انسان به آموختن و ثبت و ضبط کردن دانسته‌هایش بود. همان گونه که رودکی سمرقندی در کلیله و دمنه منظوم (یافته) گفت:

مردمان بخرد اندر هر زمان
راز دانش را به هر گونه زبان
گرد کردند و گرامی داشتند
تا به سنگ اندر همی پنگاشتند

انسان از هر چیزی برای نوشتن بهره‌مند شد؛ چوب، سنگ، پوست و سپس کاغذ. با پدید آمدن کاغذ، سوادآموزی رسمی هم آغاز شد. سوادآموزی سنتی در ایران بر بنیان ساختار طبقاتی استمرار برد که سخن گفتن از آن نیازمند طرح مباحث متعددی است و از این بحث فراتر است.

سوادآموزی مدرن (نویر) هم بین برخی شهرنشینان، روستاییان و کوچگران (عشایر) رواج نداشت؛ بلکه سوادآموزی شکل سنتی و در قالب مکتب یا مکتب‌خانه بوده است. آنان که توانگر بودند، از آموزگاری با نام «معلم»، «ملا» یا «میرزا» دعوت می‌کردند که به فرزندانشان خواندن و نوشتن بیاموزد و به اصطلاح عموم آن‌ها را «باسواد» کند. حقوق ناچیزی هم برای ملا (معلم) وجود داشت که با مشارکت دیگر اولیا به صورت نقدی یا کالایی (گندم، روغن و محصولات دیگر) تأمین می‌کردند.

نظام آموزشی و مواد درسی این گونه مدارس شامل دروس‌های مذهبی همانند: روخوانی قرآن مجید و درس‌های ادبی، فرهنگی، اجتماعی چون: شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، کلیات سعدی، دیوان حافظ شیرازی، مثنوی معنوی مولوی، خمسه نظامی^۱ و هم چنین کتاب‌های مردمی‌پسند قصه، افسانه و حکایت‌های تاریخی آموخته و یا آثار سرگرم‌کننده‌ای بودند که به نحوی در اختیار ملاهای مکتب‌خانه‌ای یا

۱- کتاب‌های قدیم به گونه‌ای بود که متن خمسه در وسط و آثار امیرخسرو دهلوی در حاشیه آن قرار داشت.

خانواده‌ها بودند. آثاری چون داستان فلک‌ناز، قصه حیدریک، امیرارسلان رومی، حمله حیدری، مصیبت‌نامه و... نیز رایج و پُر طرفدار بودند.

نواموزان مکتب‌خانه‌ها کنار این مواد درسی، سیاق و حساب هم می‌آموختند و با چند زمستان، سواد خواندن و نوشتن و خط قشنگ و خوانایی پیدا می‌کردند و به سبب تکرار، اطلاعات بسیاری را از بر داشتند. زمانی که چون امروز سرگرمی‌های الکترونیکی، مردم را بگرد جعبه‌سای جادویی رایانه، تلویزیون و موبایل جذب نکرده بود و مردم با دوستی و درسی در هم می‌نشستند، با اندک تنقلاتی، صفا و صمیمیت خویش را با نزدیکانشان تقسیم می‌کردند. همان‌طور که داستان‌ها، حکایت‌ها و قصه‌هایی چراغ شب‌های زمستان آن‌ها بود، قصه‌هایی چون *سیر یک و سمنبر*.

قصه‌ی شیرین *عبادت حیدریک و سمنبر* سروده‌ای از تبار منظومه‌های ادب شفاهی است. وجود روایت‌های متعدد و مناوت، تعدد چاپ و علاقه‌مندی فراوان اهالی روستاها و عشایر ایران به این اثر، نشان می‌دهد که این قصه، در ادبیات عامه یا فولکلوری فارسی‌زبانان از جهت جایگاه متمایز و بسیار خوبی برخوردار است. این قصه در کنار سایر قصه‌های شیرین عامه‌بند، چراغ روشنایی‌بخش زمستان‌های روستاییان و عشایر کشور بوده و در برخی نواحی، هنوز هم مردان و زنان قدیمی به آن علاقه‌مند هستند. این منظومه در کنار آثاری چون *سیر یک*، *خورشید آفرین* و *سرو و گل*، *نوش آفرین‌نامه*، *امیرارسلان*، *هزارویک شب*، *ویس و رام* و *گلندام*، *سمنک عیار* و... جنبه‌ی مردمی یافته و دوست‌داران ادبیات شفاهی را از استقبال کرده‌اند. شاید یکی از گونه‌های (ژانرهای) فراموش شده یا کم‌رنگ زندگی امروزی ما ایرانیان را بتوان همین «قصه‌های عامه» دانست.

این نوشتار تلاشی است برای معرفی یکی از این قصه‌ها که رخداد تاریخی آن در دوری صفویه و رواجش در عصر قاجار است. این قصه با نگاهی ادبی و مردم‌شناختی در این کتاب به علاقه‌مندان تقدیم شده است. قصه‌های عامه با نقالی و گفتگوی قهوه‌خانه‌ای حفظ و به نسل‌های بعد انتقال داده شد. این قصه‌ها را نخبگان کوچه و بازار

تالیف کرده‌اند، بر همین اساس است که در ادبیات کوچه و قهوه‌خانه مردم باسواد و بی‌سواد را دور خود گرد آورد و آموزه‌های ساده و صادقانه خویش را با آنان در میان گذاشت. قصه‌گویی، پرده‌خوانی، محفل گردانی از روش‌های معمول مردم ایران بود. کسانی که از کار و زحمت روزانه گوشه دنجی را جستجو می‌کردند، در قهوه‌خانه آبادی و شهر، در کنار چای قندپهلوی و دیزی سنگی، عاشقانه به روایت‌های ساده نقلان و گدازگان محلی دل می‌بستند. فنّ سخنوری و نقلی در میدان‌ها و قهوه‌خانه‌ها ویا در محاسن عمومی و فرهنگی، بارور شده و توسعه یافته است. در روایت‌های شفاهی، مردم با خلاقیت خویش، دخل و تصرف می‌کنند و تا وقتی که ثبت نشده و یا در قالب کتاب چاپ نشده‌اند، تغییر می‌کنند. گونه‌های متعدد و واریانت‌های این قبیل قصه‌ها موبّد سخن ماست. این تغییر، در شکل ساختار متفاوت است؛ اگر در شاخ و برگ‌ها و توضیح‌ها اتفاق بیفتد تنوع دارد. خرد ریشه باشد، تولید و بازآفرینی است. ساختار منظوم، مثنوی و یا مختلط این روایت‌ها برای مردم، آداب، گهرا است. دگرگونی‌های روساختی و ژرف ساختی این قصه‌ها برای کارشناسان فرهنگ مردم، پیرایه و اندیشه برانگیز است. مناسبات فرهنگی و اجتماعی در عصر صفوی سبب تولید آثاری همچون «حیدریک» شده است. بی‌شک این آثار بازتاب خواسته‌های مردمی و تجلّی وجه مردمی حکومت‌هاست. از این میان مردم به قهرمانی پاک‌اندیش، توانا، میهن‌دوست و عاشق ریشه رغبت نشان می‌دهند. همین اندیشه‌ورزی و نوع نگاه است که سبب تولید قصه‌های «حیدریک» و داستان عاشقی او به سمن‌بر (صنم‌بر) شد که سال‌ها برای ایرانیان «خبره‌انیز» است. عناصر عشقی-پهلوانی عامّه تنها در قصه‌گویی وجود ندارد، در فرهنگ عوام، موسیقی مردمی و بخش‌های دیگر فرهنگ عامّه هم نمایان است. برای نمونه در موسیقی سنتی مردم مقام «حیدریک» وجود دارد و یا در نام‌گذاری فرزندان برای الگوگیری از این رشادت و قهرمانی، شجاعت‌طلبی و پاکیزه‌خویی از نام «حیدریک»^۱ وام گرفتند. در روایت‌های شفاهی بازمانده

۱- حیدر در لغت عرب به معنی شیر درنده است و نزد شیعیان یکی از القاب امیرالمومنین علی(ع) که او را حیدر کراز می‌نامند (شاملو، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص ۱۳۰).

از دوره صفویه، شاه عباس کبیر (اول) مورد نظر مردم ایران است در حالی که در متن قصه حیدریک، به شاه عباس دوم (ثانی) است. این مساله نیز از نظر متن‌شناسی و سبک‌شناسی قصه‌های عامه پر اهمیت است. با این حال این قصه را بازمانده عصر صفوی می‌دانیم، هر چند که متن آن در دوره‌های بعدی رواج و گسترش بیشتری یافته است. کتاب حاضر بر اساس پژوهش کتاب‌خانه‌ای و میدانی پژوهشگر در باره قصه مردمی و عامی «حیدریک و سمندر» تالیف شده است. این کتاب برای مطالعه و آشنایی علاقه‌مندان به متون گذشته ایران زمین، بهره‌مندی از فرهنگ مردم و ادب شفاهی پرمایه و گران‌سنگ عاری، تدوین و طراحی شده است و مبتنی بر درآمدی بر قصه و هم چنین متن اصلی آن است که متناسب و ضرورت، توضیح داده می‌شود. بررسی تصاویر چاپ سنگی و مقایسه متن با نثر گاهی بی‌علاقه‌مندان می‌تواند موثر و مفید باشد.

پیش‌تر نگارنده مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به قصه شیرین عبارت حیدریک و سمندر» و «قابلیت‌های اقتباسی منظومه عامیانه حیدریک و سمندر» را منتشر کرده است. افزون بر آن‌ها، از نوشتار پژوهشگران ارجمند به ویژه دکتر محمدجعفری (قنواتی)، دکتر حسن ذوالفقاری و سید احمد وکیلیان و چندین روایت شفاهی از نواحی زاگرس، جنوب و جنوب شرق ایران بهره‌مند شده‌ام که به غنای کار بسیار کمک کرده است.

شایسته می‌دانم از استادان فرهیخته و ارجمند و دوستان عزیز که ام‌دکتر محمدجعفری (قنواتی) به سبب مطالعه اثر پیش از انتشار، راهنمایی‌های دکتر حسن ذوالفقاری و اهتمام فرزند عزیزم مهندس مریم قنبری‌عدیوی برای ویراستاری و بازبینی کتاب قدردانی کنم. با بیتی از حافظ شیرین سخن، کلام خویش را به فرجام می‌رسانم:

خار از چه جان بکاهد، گل عذر آن بخواهد

سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی